

آینده‌شناسی و برآورد محیط راهبردی: لازمه تصمیم‌گیری بهتر در امنیت ملی

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۲۱

محمود یزدان‌فام*

چکیده

تصمیم‌گیری راهبردی، معطوف به حوزه امنیت ملی و بین‌المللی است. تصمیمات درست نیازمند شناخت دقیق واقعیات، توانمندی‌ها و بررسی گزینه‌های احتمالی و برآورد دقیق هزینه‌ها و دستاوردهای هر اقدامی با توجه به دو محیط راهبردی داخلی و بین‌المللی است. این دو محیط بر هم تأثیر می‌گذارند و نحوه تعامل آنها به عوامل متعددی بستگی دارد. عوامل ساختاری در کنار عوامل کارگزاری، تهدیدها و توانمندی‌ها، ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌ها، قواعد و گفتمان‌ها، مسایل و دستورکارها در طول زمان، روابط دو محیط راهبردی ایران و نظام بین‌المللی را شکل می‌دهند. مقاله حاضر با تشریح عوامل و روندهای فوق در درون هر یک از این دو محیط، سه وضعیت تقابلی راهبردی بین ایران و نظام بین‌المللی، هم‌سویی راهبردی بین ایران و نظام بین‌المللی و ترکیبی از هم‌سویی و تقابل، به لحاظ موضوعی و موردی در آینده را بررسی می‌کند.

کلیدواژه‌ها: محیط راهبردی بین‌المللی، سیاست خارجی ایران، آینده‌شناسی، تصمیم‌گیری

* دکتری روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران و عضو هیأت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

مقدمه

دولت‌ها در روابط با دیگر کشورها و تعامل مناسب با بازیگران بین‌المللی، ناگزیر به شناخت محیط بین‌المللی هستند. بدون شناخت محیط بین‌المللی، تصمیمات اتخاذ شده نمی‌تواند واقعی و مفید باشند، به خوبی اجرا شوند و به اهداف مورد نظر دست یابند. برآورد محیط بین‌المللی، اقدامی معطوف به تصمیم‌گیری است که بر شناخت تصمیم‌گیرندگان از گذشته، وضعیت فعلی و درک و فهم‌شان از آینده استوار است. اگر شناخت گذشته و امروز مبتنی بر واقعیت‌هایی است که به وقوع پیوسته‌اند، شناخت آینده تصویری است از روندهای فعلی و اراده‌ها و تحولات احتمالی که در شکل‌گیری جهان ایفای نقش می‌کنند. مفروض همه آنها اهمیت زمان در تصمیم‌گیری و تصمیم‌گیری مبتنی بر شناخت واقعیت یا تصویری درست از واقعیت احتمالی است.

پرسش‌های اساسی این است که در آینده قابل مطالعه، محیط راهبردی بین‌المللی چه ویژگی‌هایی خواهد داشت؟ چگونه می‌توان فهم درستی از آن به دست آورد؟ چه نسبتی بین ایران و محیط راهبردی بین‌المللی قابل تصور است؟ ایران در شکل‌دادن به محیط بین‌المللی آینده چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ نسبت خود را با آن چگونه تعریف می‌نماید؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، یک سلسله پرسش‌های پیشینی معرفتی هم هستند که لازم است طرح و پاسخ داده شوند. منظور از آینده چیست و چه دوره‌ای را شامل می‌شود؟ با توجه به اینکه آینده اتفاق نیفتاده است، آیا راهی برای رهایی از سیطره ذهن پژوهشگر وجود دارد؟ داده‌های لازم برای پژوهش آینده نظام و محیط بین‌المللی، چگونه قابل جمع‌آوری است؟ و بالاخره، چه نیروها و عواملی به آینده شکل می‌دهند؟ وزن هر کدام از این عوامل در شکل‌دادن به آینده به چه صورت است؟

برای پاسخ به پرسش‌های فوق، به اجمال، به ضرورت آینده‌شناسی در مطالعات راهبردی، محیط بین‌المللی، روش‌ها و الزامات شناخت محیط راهبردی بین‌المللی و عوامل شکل‌دهنده به محیط راهبردی در آینده، پراخته و تلاش می‌شود تصویری از محیط بین‌المللی آینده و نسبت آن با امنیت ملی ایران ارائه شود.

قبل از ورود به بحث، یادآوری این نکته مفید است که برآورد محیط بین‌المللی امری بسیار سخت و دشوار است. جدا از پیچیده‌بودن موضوع شناخت، دشواری آن از حیث تکثر روش شناخت و ابتدایی‌بودن علم مطالعه روابط بین‌الملل در جهان و به ویژه ایران نیز ناشی می‌شود. علم روابط بین‌الملل که موضوع شناخت آن سیاست جهان و رفتار بازیگران بین‌المللی است، نه تنها در مراحل اولیه پیشرفت خود قرار دارد، بلکه به شدت متأثر از منافع قدرت‌های بزرگ بوده (Telò, 2009) و در ایران بسیار ضعیف است. ادبیات و مفاهیم آن به رغم همه پیشرفت‌هایی که تا کنون داشته، منجر به ایجاد جامعه شناختی قدرتمندی در میان دانشگاهیان و مسئولان استفاده‌کننده از یافته‌های آن نشده است. مفاهیم آن در مواردی به جای ایجاد اتفاق، موجب تشدید برداشت‌های نادرست و سوء تفاهم میان آنها می‌شود (سلیمی، ۱۳۸۸).

با وجود این، طرح مشکلات فوق به معنای عدم امکان شناخت محیط بین‌المللی و غیرمفیدبودن علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در اداره جامعه و تنظیم روابط خارجی نیست. شناخت امری نسبی است و هر کشوری که بتواند برآورد و در نتیجه، شناخت دقیق‌تری از محیط بین‌المللی داشته باشد، امکان اتخاذ تصمیمات مناسب‌تر و مفیدتر برای آن بیشتر است.

الف. ضرورت و اهمیت آینده‌شناسی در مطالعات راهبردی

زمان در تصمیم‌گیری‌های راهبردی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. غفلت از آن می‌تواند به از دست دادن موقعیت راهبردی کشور در عرصه بین‌المللی منجر شده و آسیب‌های جدی به امنیت ملی کشور وارد شود (Jakopovich, 2008). تصمیمات راهبردی اساساً به امنیت ملی هر کشور یا امنیت بین‌المللی معطوف است. تهدیدات علیه امنیت ملی، معمولاً به مرور زمان شکل می‌گیرند و ممکن است در اندک زمانی، به مرحله بالفعل رسیده و آشکار شوند. به همین صورت است افزایش توانمندی‌های ملی و بین‌المللی در حوزه تأمین امنیت و بهره‌گیری از فرصت‌ها. در حوزه‌ها و سطوح راهبردی، اختلاف‌ها و اقدام‌ها معمولاً زمان‌بر هستند، اما رویدادها ممکن است در زمان بسیار کوتاهی به وقوع پیوندند و تأثیرات دامنه‌داری بر جای بگذارند. تلاش کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای برای دستیابی به این سلاح‌ها، دست کم

یک دهه طول کشیده است، اما درگیری نظامی بین دو کشور هسته‌ای ممکن است در زمان بسیار کوتاهی بروز نماید و به جنگ فاجعه‌آمیزی برای کل بشریت تبدیل شود.

نادیده‌گرفتن عنصر زمان در تصمیم‌گیری، موجب به هدر رفتن امکانات و عقب‌ماندگی کشور می‌شود و ممکن است در سطح راهبردی، کشور را با فاجعه‌ای غیرقابل جبران روبرو سازد. جنگ‌ها با دستور حمله آغاز می‌شوند و هر قدر بزرگ و فاجعه‌بار باشند، ممکن است در زمان کمتری آغاز شوند. در طول جنگ سرد، پرتاب موشک هسته‌ای از سوی یکی از دو ابرقدرت می‌توانست به جنگی بزرگ و نابودی کل تمدن بشری منجر شود (اشنایدر، ۱۳۸۵).

با پایان جنگ سرد، زمینه بروز جنگ گسترده هسته‌ای میان دو ابرقدرت از بین رفت و به تدریج، تعداد جنگ‌های بین‌دولتی کاهش یافت. کاهش منازعات مسلحانه، به ویژه جنگ هسته‌ای، اهمیت آینده‌پژوهی در مطالعات راهبردی را کاهش داد، اما افزایش خطر تروریسم در جهان و به ویژه، خطر دستیابی این نوع گروه‌ها به سلاح‌های کشتار جمعی، موجب توجه دوباره به آینده‌پژوهی در مطالعات راهبردی شده است. ناکارآمدی راهبرد بازدارندگی کشورها در برابر گروه‌های تروریستی و خطر احتمالی استفاده آنها از سلاح‌های کشتار جمعی در مناطق و زمان‌های نامعلوم، به شکل‌گیری و پیدایش محیطی منجر شده است که تصمیم‌گیری در آن در شرایط نامعلوم و نامعین صورت می‌گیرد (Wilson, 2008). مقابله با این نوع خطرات و جلوگیری از قرارگرفتن در موقعیت‌های اضطراری، موجب توجه دوباره مراکز تحقیقاتی و تصمیم‌گیری به آینده‌پژوهی شده است.

آینده‌پژوهی در مطالعات راهبردی، راهی برای اجتناب از غافل‌گیری در حوزه‌ای است که می‌تواند به تهدید امنیت ملی و حتی نابودی آن منجر شود. استراتژیست‌ها می‌کوشند با شناخت آینده و ارائه ارزیابی درست از توان‌مندی‌ها و تهدیدات احتمالی در آینده، اطمینان یابند که کشور از زیرساخت و توان لازم برای رویارویی با شرایط خطیر احتمالی در آینده برخوردار است (Pint, 2008) و می‌تواند در برابر تهدیدات غیرقابل پیش‌بینی، توان لازم را برای مقابله نیروی متخاصم داشته باشد.

ب. تمهیدات نظری

شناخت روندها، تحولات و سیاست کنونی جهان بسیار سخت و در مواقعی ناممکن است. آینده را چگونه می‌توان شناخت و یا در باره آن به پژوهش پرداخت؟ در بحث نظری مقاله چند موضوع مورد توجه است تا چارچوبی برای درک بهتر و شناخت دقیق‌تر آینده باشد. ابتدا مفروضات آینده‌شناسی طرح می‌شود. اشاره‌ای کوتاه به روش‌های آینده‌شناسی و گام‌هایی که در این راه باید برداشته شود، می‌تواند مؤثر باشد. چارچوب نظری، محورهای اساسی برآورد محیط راهبردی آینده را که می‌تواند برای تصمیم‌گیری مفید باشد، طرح می‌کند.

مفروضات بحث آینده‌شناسی در محیط بین‌المللی و مطالعات راهبردی به شرح زیر است:

۱. تغییر، ارزش و هنجار است و آینده متفاوت از امروز خواهد بود. در آینده بازیگرانی می‌توانند موقعیت بهتری داشته باشند که تغییر را باور داشته باشند و برای آن برنامه‌ریزی کنند.
۲. رویدادها در ارتباط با هم هستند و در تعامل با هم به آینده شکل می‌دهند. بازیگران می‌توانند با شناخت درست‌تر این عوامل و رویدادها در شکل‌دادن به آینده نقش مؤثرتری را ایفا کنند.
۳. آینده‌های متفاوتی وجود دارد و ما می‌توانیم در ایجاد هر یک از آنها مؤثر باشیم.
۴. بین آینده ممکن، آینده احتمالی و آینده مطلوب تمایز هست.
۵. آینده را می‌توان به دوره‌های مختلف تقسیم کرد. برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای شکل‌دادن به آینده بهتر ضروری است.
۶. وضعیت امروز نتیجه شناخت، تصمیم‌گیری و عملکرد دیروزمان است و فردا را امروز شکل می‌دهیم.
۷. زمان در تصمیم‌گیری‌های راهبردی اهمیت فوق‌العاده دارد. غفلت از آن می‌تواند به از دست دادن موقعیت راهبردی منجر شده و آسیب‌های جدی بر امنیت ملی کشور وارد سازد.
۸. در برخی حوزه‌های راهبردی، اهمیت زمان به سال و در مواردی به ساعت و دقیقه است. حمله هسته‌ای به کشور و اقدام در برابر آن به دقیقه و ظرفیت‌سازی برای قدرت ملی، به سال‌ها محاسبه می‌شود.

در نگاه سنتی، تصمیم‌گیری‌های راهبردی عموماً معطوف به تهدیداتی است که از محیط بین‌المللی متوجه امنیت ملی کشور است. تصمیم‌گیری مفید و مؤثر در تأمین امنیت ملی نیازمند فهم درست الگوها و روندهای نظام بین‌المللی در جهان امروز و آینده است. در آینده‌پژوهی، برای شناخت نظام بین‌المللی و تحولات آن، اغلب موارد و محورهای زیر مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

۱. بحران‌های اساسی جهانی در حوزه‌هایی موضوعی مثل رشد جمعیت جهان، غذا و گرسنگی در جهان، کاهش منابع انرژی، آلودگی محیط زیست، مسایل توسعه پایدار، تغییرات آب و هوایی،
 ۲. صلح، منازعات بین دولتی، امکان وقوع جنگ جهانی، رقابت‌های تسلیحاتی،
 ۳. ساختار نظام بین‌المللی، شکاف‌های سیاسی، بلوک‌های قدرت و روندهای سیاسی جهانی،
 ۴. پیدایش بلوک‌های اقتصادی - منطقه‌ای بزرگ، بحران‌های جهانی و روندهای اقتصادی در جهان،
 ۵. پیشرفت‌های علمی و فن‌آوری‌های جدید و تأثیر آنها بر روند و مناسبات کاری، تعلیم و تربیت، پارادیم‌های علمی، فضای فرهنگی و سنت‌ها و روندهای فکری و مذهبی
- (National Intelligence Council, 2008)

از زمان تلاش علمی بشر برای فهم آینده، روش‌های گوناگونی برای مطالعه آن مطرح شده است. برآورد گرایش‌ها، تجزیه و تحلیل سیستم‌ها، مدل‌سازی رایانه‌ای، شبیه‌سازی و نظریه بازی‌ها، تحلیل عوامل تأثیرگذار مستمر، آینده‌نگری فن‌آورانه و ارزیابی تأثیرات فن‌آوری، ارزیابی تأثیرات محیطی و اجتماعی، نظرسنجی دلفی از کارشناسان، سناریوسازی، داستان‌های علمی، پیش‌بینی شهودی، تحلیل فرایند فازی، و مدل طرح‌ریزی پیچیده، از جمله این روش‌ها و ابزارهای مطالعه آینده است (Gordon, 2008). در مطالعات راهبردی و ارزیابی محیط بین‌المللی، عملاً از تعدادی از این روش‌ها استفاده می‌شود.

در مطالعه محیط راهبردی بین‌المللی، برای جمع‌آوری داده‌ها، از دو روش SWOT که مخفف معادل انگلیسی کلمات توانمندی‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها و STEEP که مخفف معادل انگلیسی کلمات اجتماعی، فناوری، اقتصادی، زیست‌محیطی و سیاسی است، بیش از دیگر روش‌ها استفاده می‌شود. در این پژوهش، از این دو روش به صورت ترکیبی استفاده خواهد شد. این دو روش به لحاظ مفهومی مشخص می‌سازند که در انجام برآورد

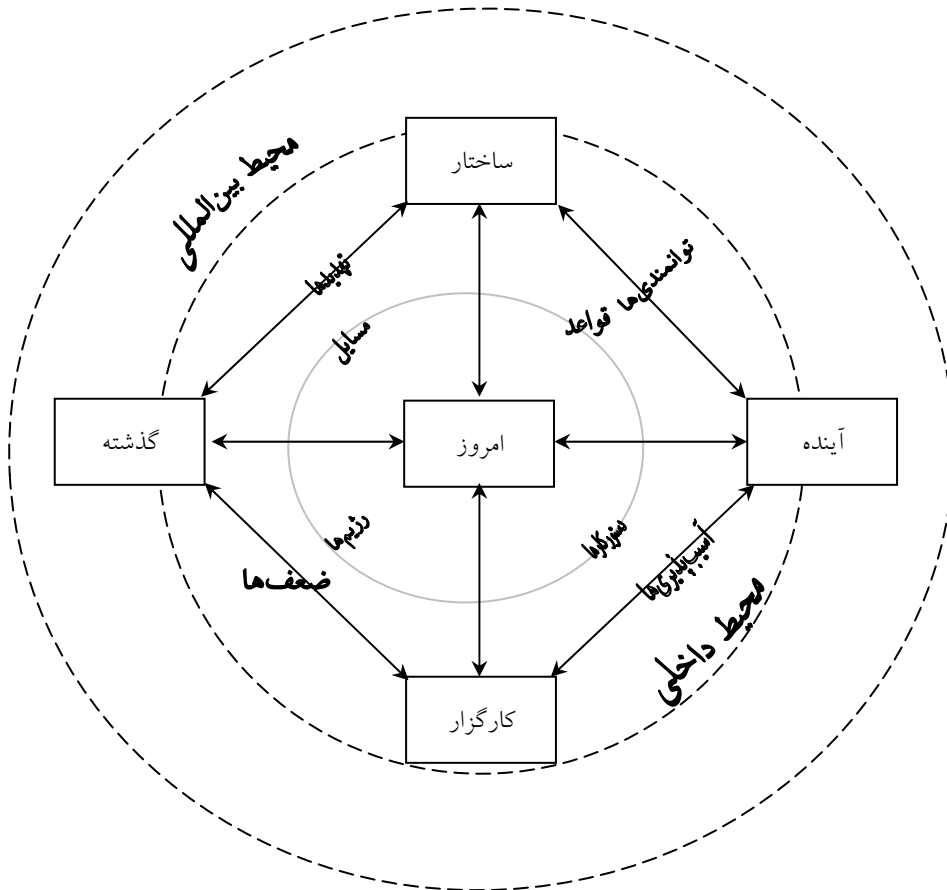
دقیق از محیط راهبردی بین‌المللی آینده، چه داده‌هایی را باید مورد توجه قرار داد و جمع‌آوری نمود. محورهای اساسی این دو روش، در قالب جدول ماتریسی طرح و اطلاعات بر اساس آنها جمع‌آوری می‌شوند (Watt, 2005).

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز همانند جمع‌آوری داده‌ها، باید قالب مفهومی وجود داشته باشد که بتوان از پراکندگی موضوع جلوگیری نمود و به پژوهش‌گر الگویی ارائه داد تا بر اساس آن بتواند جایگاه هریک از این داده‌ها و ارتباط مفهومی و منطقی آنها را در نتیجه‌گیری تحقیق مشخص سازد. در این خصوص، به عوامل و موضوعات زیر توجه می‌شود:

۱. سطوح مختلف تحلیل (ملی، منطقه‌ای و جهانی) برای برآورد،
۲. ابعاد و بخش‌های (اقتصادی، جمعیتی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ...) موضوع،
۳. ساختار نظام بین‌المللی: توانمندی‌ها، ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌ها (توزیع قدرت و ثروت در جهان)،
۴. بازیگران روابط بین‌المللی،
۵. نهادها، قواعد، ارزش‌ها و هنجارهای بین‌المللی،
۶. مسایل و موضوعات اساسی و تأثیرگذار جهانی،
۷. گرایش‌ها، رویدادها و روندهای جهانی،
۸. رویکردها و الگوهای رفتاری بازیگران،

روش‌ها و چارچوب‌های فوق در مطالعه محیط راهبردی امروز نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این نظر، تفاوت چندانی بین شناخت محیط راهبردی امروز با آینده نیست. استفاده دقیق از این ابزارها، لازمه شناخت امروز و مطالعه فرداست. از این رو، آینده‌پژوهی راهی است که در آن، دیروز به امروز و فردا پیوند می‌خورد.

نمودار بررسی تعامل محیط راهبردی داخلی و بین‌المللی



آینده بر اساس فرایند تحولات و گرایش‌ها، تصمیمات و اقدامات بازیگرانی ساخته می‌شود که تجربیات گذشته را با همه شکست‌ها و موفقیت‌ها، به توان‌مندی‌های امروز و آرزوها و خواسته‌های فردا گره زده و در پی افزایش فرصت‌ها، تأمین منافع، کاستن از هزینه‌ها، محدودیت‌ها و تهدیدات هستند. درک درست آینده نیازمند درک واقعیت‌های دیروز و امروز و عوامل مؤثر در تغییر و تحولات محیط راهبردی است. آینده متأثر از سیاست‌ها و اقدامات بازیگران در تعامل با ساختارها بر محور زمان برساخته می‌شود. آینده نه چیزی است که امروز جوامع و بازیگران اراده می‌کنند و نه فارغ از آن است. در این برسازی، آینده هر کس بر اساس همت، اراده، تلاش و توان خودش ساخته می‌شود، اما لزوماً در اختیار کسی نخواهد بود و با شناخت دقیق آن می‌توان به تغییر آن اقدام کرد و از این جهت با جهان امروز متفاوت است.

ج. محیط راهبردی بین‌المللی و داخلی

پرسش اساسی این مقاله به تعامل ایران با محیط راهبردی بین‌المللی در آینده برمی‌گردد. برای سیاست‌مداران و تصمیم‌گیرندگان ایران این مسأله مطرح است که برای حفظ و تقویت امنیت ملی و موقعیت بین‌المللی ایران در جهان آینده، چه رویکرد و سیاست‌هایی را باید در پیش گرفت؟ نحوه تعامل ایران با محیط احتمالی ممکن است به چه صورت باشد؟ پاسخ دقیق به این پرسش‌ها نیازمند بررسی همه متغیرها و مؤلفه‌هایی است که در بحث نظری مطرح شد. در عین حال، برای اجتناب از طولانی‌شدن مقاله، محورهای اساسی مطالب فوق در قالب ویژگی‌های محیط راهبردی داخلی و بین‌المللی مطرح و به اجمال بررسی می‌شود تا راه برای طرح سناریوها در خصوص مناسبات ایران با نظام بین‌المللی هموار شود. در تحلیل نسبت محیط راهبردی ایران با محیط راهبردی بین‌المللی، موضوع اساسی این است که تغییر در هر کدام از این مؤلفه‌ها می‌تواند تغییرات متعددی را در پی داشته باشد. طرح جزئیات این سناریوها و فرایند تحولات، برای هیچ محقق میسر نیست، اما اشاره به جهت و روند کلی تحولات و مناسبات ایران با نظام بین‌المللی، می‌تواند راه‌گشا باشد.

۱. بازیگران و روندهای اساسی محیط راهبردی بین‌المللی

تغییر در محیط راهبردی بین‌المللی را می‌توان در بازیگران جامعه جهانی، توزیع قدرت در جهان، رویکردها و قواعد بازی و نگرش‌ها و ارزش‌های جهانی که از آن با عنوان تحولات ژرف یاد می‌شود، بررسی کرد.

بر اساس مطالعات صورت‌گرفته در اقتصاد بین‌المللی، با تداوم روند کنونی، احتمال می‌رود در دوره زمانی بلندمدت بین ۲۰ تا ۵۰ سال، جهان شاهد ظهور چهار یا پنج کشور قدرتمند جهانی دیگر باشد که ممکن است برخی از آنها از قدرت‌های بزرگ کنونی قوی‌تر باشند (Goldman Sachs, 2003). این قدرت‌ها که به کشورهای BRICS معروف هستند، کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی را شامل می‌شوند. کشورهای مزبور دست کم در یک دهه گذشته از ثبات سیاسی خوبی برخوردار بوده و رشد اقتصادی بالایی را تجربه کرده‌اند. تداوم روند توسعه در این کشورها می‌تواند به بازتوزیع قدرت و تغییر در مناسبات و قواعد حاکم بر جامعه جهانی منجر شود. در سال ۲۰۰۸، آنها ۲۲٪ اقتصاد جهان را به خود اختصاص دادند که این رقم در یک دهه قبل، تنها ۱۶٪ بود (Reuters, 2009). پیدایش این قدرت‌ها می‌تواند بعد از پیدایش قدرت‌های اروپایی جهان‌گرا و آمریکا به عنوان بازیگر جهانی در قرن بیست، به صورت موج سوم تغییر در بازیگران محوری جهان باشد.

گسترش قدرت‌ها در سراسر جهان ممکن است در قالب دولت‌های ملی یا نظام‌های منطقه‌ای هم‌گرا، مثل اتحادیه اروپا، منطقه آس‌آن و نفتا باشد. این قدرت‌ها بیش از آنکه جهت‌گیری سیاسی، نظامی و ایدئولوژیک داشته باشند، جهت‌گیری اقتصادی دارند (بلامی، ۱۳۸۶). نگاه قدرت‌های جدید به نظام بین‌المللی متفاوت از نگاه کشورهای غربی است.

با تداوم این روند، جهان به سوی چندقطبی شدن با وابستگی متقابل پیچیده پیش می‌رود. هویت‌های فرهنگی متساهل، رشد بیشتری خواهند یافت. شکاف‌های اصلی میان جوامع و دولت‌های مختلف جهان، در حوزه علم و فن‌آوری‌های پیشرفته خواهد بود. این شکاف کمتر از جنس شکاف شمال و جنوب یا مرکز و پیرامون است و در سطوح گوناگون، به صورت هم‌زمان، به شکل عمودی و افقی خواهد بود (Miroslav, 2005). در همین حال، در این فضا،

فرصت‌هایی برای بازیگران به وجود می‌آید که می‌توانند با درک و استفاده به موقع از آنها، از شکاف موجود بین مناطق و جوامع گوناگون بکاهند.

تغییرات در محیط بین‌المللی به پیدایش دولت‌های قدرتمند جدید محدود نمی‌شود. بازیگران جدید جامعه جهانی بیشتر بازیگران غیردولتی هستند. سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی، سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای، مؤسسات خیریه و سازمان‌های حامی زنان و کودکان، سازمان‌های حقوق بشری و امدادی، طرفداران محیط زیست و ضد جنگ یا سازمان‌های فعال در بعد منفی حیات اجتماعی، همانند سازمان‌های تروریستی، سازمان‌های فعال در حوزه قاچاق مواد مخدر، مواد هسته‌ای و قاچاق انسان که با عنوان جرایم سازمان‌یافته شناخته می‌شوند، بالاخره، سازمان‌های خصوصی امنیتی و شرکت‌های چندملیتی، از بازیگران جدید بین‌المللی هستند که در دو دهه گذشته رشد بسیار سریعی یافته‌اند (Battersby & Siracusa, 2009: 33-34). اغلب این سازمان‌ها در طول قرن بیست به وجود آمدند، اما فعالیت آنها غالباً تحت‌الشعاع سیاست دولت‌ها بود.

در دو دهه گذشته و با سرعت‌گیری روند جهانی شدن، استقلال، ظرفیت و توانمندی این سازمان‌ها نیز افزایش یافته است (Stubbs, 2003). هم‌اکنون، این سازمان‌ها در کنار دولت‌های ملی به یکی از بازیگران تأثیرگذار در روند تحولات بین‌المللی تبدیل شده‌اند و با تداوم روند کنونی در آینده، تأثیرات آنها فزون‌تر هم خواهد شد. سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، هدف واحدی ندارند و در حوزه‌های متفاوتی فعالیت می‌کنند، اما چیزی که در اینجا مورد توجه است، این است که فعالیت این بازیگران در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی - امنیتی در حال گسترش است، به صورت رقبایی قدرتمند برای دولت‌ها حاضر می‌شوند و در آینده می‌توانند محیط راهبردی بین‌المللی را در تأمین و تهدید امنیت تحت تأثیر قرار دهند (کراهمان، ۱۳۸۷). سازمان‌های غیردولتی فعال در حوزه انسانی، در گسترش فرهنگ و ارزش‌های جدید مؤثر بوده و سازمان‌های غیردولتی در حوزه جرایم سازمان‌یافته و تروریستی از توانمندی مستقل‌تری برای ایجاد رعب و وحشت در میان مردم برخوردار خواهند بود. اقدامات آنها بیشتر حالت شبکه‌ای، پراکنده و متنوع خواهد داشت (آلبرتس و پاپ، ۱۳۸۵).

ارزش‌ها، قواعد و هنجارهای جهانی در حال تغییر است. جهانیان با هویت‌های به اصطلاح چهل‌تکه در حال نزدیکی بیشتر به هم هستند. روند تحولات در این عرصه با افزایش سرعت

جهانی شدن بسیار شدیدتر می شود. تحولات ژرف جهانی در این حوزه، وسیع تر است و جهانی شدن در این عرصه تأثیر بیشتری خواهد داشت. تحولات در این عرصه بر نگرش و جهان بینی مردمان جهان تأثیر گذاشته و در حوزه سخت سیاست در قالب حمایت از صلح، حقوق بشر، محیط زیست و دولت های مردم سالار نمود خواهد یافت. در قرن ۲۱، ارزش های جهانی بر اساس محور انسانی، اعم از آزادی بیان، حقوق بشر، حق تعیین سرنوشت، حق رهایی از نیاز و حق رهایی از ترس، همراه با توجه ویژه به تساهل و تعامل با سرعت بیشتری رشد خواهد یافت و بسیاری از حوزه های دیگر متأثر از این نوع نگاه، متحول خواهد شد (روزنا و دیگران، ۱۳۸۹).

۲. ویژگی های محیط راهبردی داخلی ایران

بررسی ویژگی های راهبردی ایران نیازمند تحقیقات مفصلی است، اما به ضرورت نیاز این نوشته، به اختصار، به محورهای اساسی آن اشاره می شود. ایران کشوری با سابقه تاریخی و تمدنی طولانی است. مردمان این کشور خود را مردمانی تمدن ساز می دانند که اکنون از چرخه تمدن های جدید به دور مانده اند. اسطوره تمدنی و تاریخی ایران و وضعیت عقب افتاده و دور از شأن تاریخی و ذهنی آن، اکنون بر فضای فکری جامعه ایرانی سایه افکنده و به شکل گیری نخستین مؤلفه مؤثر در سیاست گذاری ایران در برابر محیط راهبردی بین المللی منجر شده است. تلاش برای رسیدن به جایگاه مناسب تر بین المللی و ایفای نقش جهانی و یا دست کم نقش منطقه ای، به یکی از مؤلفه های تأثیرگذار در شکل دادن به سیاست خارجی تبدیل شده است. تلاش قدرت های اروپایی و منطقه ای برای مقابله با ایران و به سلطه درآوردن آن، یکی دیگر از عوامل تاریخی است که در نگرش ایرانیان به خارجی ها و بدبینی به قدرت های بزرگ مؤثر است. ایرانیان در طول تاریخ معاصر شاهد هجوم قدرت های اروپایی و روس ها و این اواخر، آمریکایی ها برای تصرف سرزمین ایران و غارت منابع و اموال آن بودند. تلاش برای حفظ استقلال و بدبینی به بیگانگان و خودداری از تعامل با آنها متأثر از چنین تجربه تاریخی است که شکست تلاش های بیش از صد سال گذشته ایرانیان برای برون رفت از وضعیت عقب مانده موجب بدبینی مضاعف به دولت های خارجی شده و تعامل ایران با محیط بین المللی را مشکل تر ساخته است (Moshirzadeh, 2007).

سه فرهنگ ایرانی، اسلامی و مدرن، تار و پودهای معنایی نگاه و نگرش مردم و مسوولان ایران امروز را شکل می‌دهند. ایرانیان در میان این سه فرهنگ در حرکت هستند. گروهی بر این و گروهی بر آن تأکید دارد، اما کم و بیش طرفداران هر سه فرهنگ دریافته‌اند که ایران بدون یکی از آنها نمی‌تواند به نحو مطلوب به حیات اجتماعی خود ادامه دهد (عنایت، ۱۳۵۲؛ نقیب‌زاده، ۱۳۸۱؛ Rajaei, 2007). ایجاد همدلی میان این سه فرهنگ کاری است بسیار دشوار که جز با برقراری نسبتی متعادل میان آنها ممکن نخواهد شد. غلبه هر کدام از آنها بر دیگری می‌تواند تأثیرات بسیار منفی بر مناسبات ایران با محیط بین‌المللی بگذارد. هرچند به ظاهر غلبه فرهنگ مدرن می‌تواند راهی برای گسترش روابط ایران با جهان تلقی شود، اما بروز تعارضات گسترده در داخل، به تضعیف پایه‌های قدرت داخلی ایران منجر شده و به روابط ایران با جهان اسلام لطمه می‌زند. تجربه جمهوری اسلامی ایران در روابط با جامعه بین‌المللی در ۳۰ سال گذشته (Ehteshami, & Zweiri, 2008) و تجربه ترکیه در روابط با جهان اسلام در دوره قبل از روی کار آمدن اسلام‌گرایان، نشان‌دهنده عدم توازن در ترکیب عناصر اصلی شکل‌دهنده فرهنگ در این دو کشور است (Bozdağlıoğlu, 2003).

در سطح ساختاری و کارگزاران نظام سیاسی، حکومت‌ها، زمام‌داران، جریان‌ها و گروه‌های سیاسی - اجتماعی و جهت‌گیری‌های کلان آنها، نقش اساسی در تعیین نسبت روابط ایران با محیط بین‌المللی دارند. در جمهوری اسلامی ایران، در سه دهه گذشته، ما شاهد دست کم سه نوع حکومت ایدئولوژیک، عمل‌گرا و توسعه‌گرا بودیم. آنها، به رغم وجوه مشترک، نگرش متفاوتی در تعامل با محیط بین‌المللی دارند. نگرش دولت‌ها به نظام بین‌المللی یکسان نیست. بر خلاف نظریه واقع‌گرایی، آنها اهداف و منافع متفاوتی برای کشورشان تعریف می‌کنند و یا در اولویت‌بندی اهداف و منافع ملی، به نتایج یکسانی نمی‌رسند. برای برخی از آنها، اقتصاد و برای برخی دیگر، مسایل نظامی و امنیتی اولویت دارد. ممکن است دولتی در پی گسترش تعامل و همکاری با کشورهای دیگر باشد و برخی تأمین منافع کشور را در انزوا بجویند. در ایران، کم و بیش هر دو نگرش، اگر به حکومت هم نرسیده باشد، در میان گروه‌های سیاسی وجود دارد. در جمهوری اسلامی ایران، نگرش دولت‌ها به محیط بین‌المللی هم متفاوت بوده است. برخی از آنها جهان را پرمنازعه و برخی آن را رقابتی می‌دیدند، اما برای فرهنگ سوم ونت در جمهوری اسلامی ایران و شاید در بسیاری از کشورهای جهان سوم، نتوان شاهد مثالی یافت.

ونت (۱۳۸۶) در نگرش کشورها به عرصه بین‌المللی، سه فرهنگ هابزی، لاکمی و کانتی را طرح می‌کند. فرهنگ هابزی جهان را پرمنازعه می‌بیند. در این جهان، قدرت، آن هم از نوع نظامی نقش تعیین‌کننده دارد. در فرهنگ لاکمی، رقابت اصل تعیین‌کننده است و اقتصاد نقش پررنگی در تحولات سیاست جهان ایفا می‌کند. در فرهنگ کانتی، کشورها در پی همکاری هستند و منافع آنها نه متعارض، بلکه مکمل است و در همکاری بهتر از منازعه تأمین می‌شود. سطح و میزان پیشرفت اقتصادی و توسعه، نقش تعیین‌کننده در مناسبات کشورها با عرصه بین‌المللی دارند. کشورهای پیشرفته عموماً بین‌الملل‌گرا هستند و در پی گسترش مناسبات خود با دیگر کشورها می‌باشند. آنها به بازارهای بین‌المللی نیاز دارند و در تعامل با آنها هزینه‌های اقتصادی خود را کاهش و دستاوردهایشان را افزایش می‌دهند.

روی کار آمدن دولت‌های مدرن، بین‌الملل‌گرا و توسعه‌گرا که عموماً نگرشی مثبت به همکاری بین‌المللی دارند و جهان را نه پرمنازعه، بلکه مبتنی بر همکاری و یا رقابت می‌بینند، نقش اساسی در تعیین نسبت محیط داخلی با محیط بین‌المللی دارند.

بالاخره، هم‌سویی میان ارزش‌ها و هنجارهای داخلی با ارزش‌ها و هنجارهای بین‌المللی و یا بر عکس، تعارض و تقابل میان آنها، نقش اساسی در تعیین نسبت محیط داخلی با محیط بین‌المللی دارند. این قواعد، ارزش‌ها و هنجارهای جهانی و ملی، معمولاً در قالب رژیم‌ها و نهادهای بین‌المللی یا قوانین و مقررات داخلی کشورها، نمود و ظهور می‌یابند. سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در رشد و گسترش ادبیات این حوزه نقش اساسی دارند. آنها نسبت به رعایت این ارزش‌ها و قواعد بر دولت‌ها فشار می‌آورند و نسبت به پیامدهای آن هشدار می‌دهند (Mercenaries, 2007).

تغییرات در داخل کشور ممکن است در سطح جامعه، نگرش و باورهای مردم باشد. این تغییرات، معمولاً اساسی اما بلندمدت هستند. تغییر در این سطح غالباً در عرصه سیاست نمودی نمی‌یابد و سیاست خارجی را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. میزان تأثیرگذاری این تغییرات به رابطه مردم با حکومت و نوع نظام سیاسی بستگی دارد. در جوامعی که نظام سیاسی مردم‌سالار دارند و مردم در جهت‌دادن به رویکرد، سیاست و برنامه‌های دولت نقش مؤثری ایفا می‌کنند، تغییر در نگرش‌ها و باورهای مردم با سرعت بیشتری در روابط کشور با جامعه

بین‌المللی بازتاب می‌یابد. در مقابل، در جوامع استبدادی، نقش مردم در تعیین و جهت‌دهی سیاست خارجی و روابط کشور با جامعه بین‌المللی، بسیار اندک است.

در میان عوامل مؤثر بر روابط محیط راهبردی داخلی و بین‌المللی، به نظر می‌رسد پیشرفت‌های علمی و فن‌آوری‌های جدید تأثیر پایدارتری بر محیط راهبردی داخلی ایران و تغییر دادن باورها و نگرش‌های عمومی دارد. آنها بر روند و مناسبات کاری، تعلیم و تربیت، پارادیم‌های علمی، فضای فرهنگی و سنت‌ها و روندهای فکری و مذهبی، به صورت مستمر تأثیر می‌گذارند و در شرایط فراهم‌شدن بسترهای لازم، تأثیر آن نمود بیشتری می‌یابد.

طبق قانون اساسی، در جمهوری اسلامی ایران زمام‌داران، سیاست‌ها و برنامه‌ها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از سوی مردم و از طریق سازوکار انتخابات تعیین و پشتیبانی می‌شوند. جمهوری اسلامی ایران بر پایه بزرگ‌ترین انقلاب مردمی نیمه دوم قرن بیستم تأسیس شده است. انقلاب اسلامی، انقلابی مردمی بود و جمهوری اسلامی ایران بر پایه چنین انقلابی به وجود آمد و انتظار می‌رود سیاست خارجی آن نیز متأثر از نگرش‌ها و باورهای مردم باشد و بر اساس آن شکل گیرد. تغییر و تحول در باورهای مردم در قالب رأی به نامزدهای گوناگون، به ویژه در انتخابات ریاست جمهوری بروز می‌یابد. این تحول در چند دوره در طی سی سال اخیر به وجود آمده و جهت‌گیری سیاست خارجی را متأثر ساخته است (رمضانی، ۱۳۸۰). تغییر زمامداران، از طریق سازوکارهای قانونی انتخابات یکی از گزاره‌هایی است که در مناسبات ایران با محیط بین‌المللی تأثیرگذار است.

در جامعه ایران ممکن است شکاف‌ها میان دولت و ملت، سنت و مدرنیسم، طبقات و اقشار گوناگون، میان نسل‌ها و میان انتظارات، توان‌مندی‌ها و عملکرد، متأثر از شرایط و رویدادهای جدید فعال شوند و نظام سیاسی، دولت، رویکردها، سیاست‌ها و برنامه‌های آن را تحت تأثیر قرار دهند. در چنین شرایطی، روند کنونی مناسبات محیط راهبردی داخلی با محیط راهبردی بین‌المللی متحول خواهد شد (Katouzian, & Shahidi, 2008).

با توجه به ویژگی‌های دو محیط راهبردی داخلی و بین‌المللی و عوامل مؤثر بر تغییر و تحول در آنها، می‌توان در خصوص نسبت آنها با یکدیگر در آینده، سناریوهای متعددی در نظر گرفت. در این نوشته، به چند سناریوی اساسی اشاره می‌شود.

د. سناریوهای احتمالی نسبت محیط بین‌المللی و محیط داخلی

در خصوص نحوه تعامل ایران با محیط راهبردی بین‌المللی، سناریوهای بی‌شماری قابل طرح است. در ادامه به چند سناریوی اساسی که از امکان وقوع بالاتری برخوردارند، اشاره می‌شود. این سناریوها، نتیجه تغییرات و تعاملات بازیگران و ویژگی‌های دو محیط راهبردی داخلی ایران با نظام بین‌المللی است. تغییرات در محیط داخلی و بین‌المللی، به سه حالت خوش‌بینانه، عادی و بدبینانه قابل طرح است. بر اساس یافته‌های مطالعات آینده‌شناسی، وقوع حالت اولی و آخری با ضریب یک و حالت عادی، با ضریب چهار ممکن است (Urban and Regional Studies Institute, 2004). ممکن است تغییرات در هریک از دو محیط داخلی ایران و بین‌المللی، اساسی باشد و روند تعامل فعلی بین ایران و نظام بین‌المللی را برهم زند. اگر این تغییرات در راستای هماهنگی بیشتر میان دو محیط راهبردی باشد، تنش‌ها کمتر و مناسبات بهتر خواهد شد. این سناریو، خوش‌بینانه است و احتمال وقوع آن با ضریب یک ارزیابی می‌شود. تشدید تعارضات و اختلافات در دو سوی محیط راهبردی، نگاهی بدبینانه به شمار می‌آید که در حالت عادی، امکان وقوع آن نیز به همان اندازه نگاه خوش‌بینانه می‌باشد. تداوم روند کنونی با تغییرات کم در جهت حل اختلافات حاد و هم‌سویی نسبی با روند جهانی، بیانگر حالت عادی است که بیشترین احتمال وقوع را دارد، اما به معنای نادیده‌گرفتن گزینه‌های کم‌محتمل نیست. شاید ارزش مطالعه و شناخت موارد کم‌محتمل برای اجتناب از غافل‌گیری مهمتر هم باشد.

۱. سناریوی تعامل مثبت دو محیط راهبردی

در سناریوی تعامل مثبت بین محیط راهبردی داخلی و بین‌المللی، روی کار بودن دولت توسعه‌گرا در داخل ایران می‌تواند تعامل مناسب‌تری با جامعه جهانی برقرار کرده و به تأمین اهداف و منافع ایران کمک نماید. روند تحولات سال‌های اخیر در داخل ایران نشان‌دهنده آن است که مردم در کنار بازتعریف هویت ملی اسلامی، علاقمند به تعمیق پیوندهای ایران با جامعه جهانی و تعامل مثبت با بازیگران بین‌المللی هستند (وزارت ارشاد، ۱۳۸۲؛ و یزدان‌فام، دیپلماسی عمومی). دولت توسعه‌گرا می‌تواند به پشتوانه این نگرش و گرایش ایرانیان، بر سیاست تک‌روانه و تجدیدنظرطلبانه غلبه یافته و هویت جدیدی برای ایران در عرصه

بین‌المللی تعریف نماید. چنین روندی در آینده نزدیک بروز بیشتری خواهد یافت و تغییر در کارگزاران سیاسی ایران می‌تواند به این روند شتاب بیشتری بدهد. در حالت بدبینانه، ممکن است این روند در عرصه حکومتی بدتر شود و حکمرانی در اختیار گروهی قرار گیرد که بر ملی‌گرایی یا اسلام‌گرایی انزواگرا و ستیزه‌جو در عرصه بین‌المللی تأکید کند، ولی در عرصه اجتماعی، روند بهبود روابط با جامعه بین‌المللی تداوم خواهد یافت.

هویت بین‌المللی مبتنی بر نگرش‌ها و گرایش‌های مردمی ایران، رویکرد توسعه‌گرا در سیاست خارجی، تأکید بر قدرت مردمی کشور در دوره میان‌مدت و بلندمدت، می‌تواند به هم‌سویی بیشتر محیط راهبردی داخلی و بین‌المللی ایران بیانجامد. در این سناریو، پیوندهای ایران با جامعه بین‌المللی تقویت و وابستگی متقابل افزایش خواهد یافت. تهدیدهای امنیتی ایران از سوی کشورهای بزرگ کمتر و به احتمال زیاد، از نوع فرهنگی و هویتی خواهد بود تا از جنس تهدیدهای سخت و نظامی. در عین حال، این به معنای از بین رفتن مسایل و مشکلات امنیتی ایران با کشورهای همسایه نیست.

تغییر رویکرد ایران در سیاست خارجی، از مسایل سخت به موضوعات اقتصادی و نرم، می‌تواند تهدید را از سطح فرامنطقه‌ای به منطقه‌ای و منازعه را به رقابت و همکاری تبدیل و به کاهش تهدیدهای منطقه‌ای فرامنطقه‌ای ایران کمک کند. با وجود این، تهدیدات منطقه‌ای ایران بیشتر از تهدیدهای متصور از سوی قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای خواهد بود. کاهش ذخایر انرژی در جهان و افزایش اهمیت و جایگاه آن در اقتصاد جهانی می‌تواند به تشدید رقابت ایران و همسایگان آن منجر شود که اغلب‌شان دارای میادین مشترک نفت و گاز با ایران هستند. در خصوص برخی از این کشورها، منابع آبی هم هست که تأثیری مشابه نفت دارد.

روابط ایران با کشورهای همسایه عرب، متأثر از ویژگی‌های ساختاری و معنایی هم هست که اغلب بسیار پایدار هستند و با تغییر و تحولات جزئی، دگرگون نمی‌شوند. به همان میزان که کشورهای عربی به ایران پادشاهی ملی‌گرا بدبین بودند، به همان میزان و حتی بیشتر به جمهوری اسلامی ایران بدبین هستند. تعارض‌های ساختاری و هویتی قابل ملاحظه‌ای بین ایران و جهان عرب وجود دارد. ایران شیعی، فارس و مدرن یا بنیادگرا با اعراب سنی و اغلب سنتی یا چپ‌گرا، که هر دو از منظر واقع‌گرایی به روابط نگاه می‌کنند و در بهترین حالت، نگاهشان هویتی است، نمی‌تواند مبانی مستحکم مثبتی برای شکل‌دادن به روابط و مناسبات پیدا کنند (Ehteshami,

کشورهای همسایه عرب عمل می‌کنند و احتمال تداوم آنها در آینده هم زیاد است. تغییر در رویکرد کشورها از بازی امنیتی و هویتی به اقتصادی، می‌تواند بستری برای برون‌رفت از این بن‌بست ساختاری و تاریخی باشد. تعمیق و تنش در روابط ایران و امارات در دو دهه گذشته، نمونه روشن این تغییر و تداوم در رویکردها و ساختارهاست.

۲. سناریوی فضای نظامی - امنیتی

در نگاه بدبینانه، مؤلفه‌هایی مانند غلبه فرهنگ هابزی بر فضای بین‌المللی، اقدام‌ها و پیمان‌های نظامی - امنیتی و به هم خوردن وضع موجود بین‌المللی مد نظر است که بروز آنها ماهیت تعاملات جهانی را تحت تأثیر قرار داده و بازیگران را به سوی سیاست‌های حاد امنیتی سوق می‌دهد. تداوم و تشدید رویکردهای نظامی - امنیتی در محیط راهبردی منطقه‌ای و جهانی، به تشدید سیاست‌ها و رفتارها منازعه‌آمیز میان بازیگران بین‌المللی منجر می‌شود. بر اساس نگرش ونت (۲۲۷: ۱۳۸۵)، سه فرهنگ هابزی، کانتی و لاکی بر نظام بین‌المللی حاکم است. در فرهنگ هابزی، تلاش برای پیروزی و تخریب دیگران است. در فرهنگ لاکی، دولت‌ها به رغم تضادهایی که دارند، به حاکمیت هم احترام می‌گذارند. در فرهنگ کانتی، دولت‌ها منازعات خود را بدون جنگ و خون‌ریزی حل و فصل می‌کنند. دولت‌ها بر حسب نوع درونی کردن این فرهنگ‌ها در خود، رفتار متفاوتی را در سیاست خارجی اتخاذ می‌کنند. رویکرد واقع‌گرایانه و سیاست قدرتمندانه، نشان‌دهنده غلبه فرهنگ هابزی، رویکرد لیبرالی و کارکردگرایی، نشان‌دهنده غلبه فرهنگ لاکی و رویکرد جهان‌گرایانه و امنیت جمعی، نشان‌دهنده غلبه فرهنگ کانتی در جهان است.

غلبه فرهنگ هابزی در روابط بین‌الملل، به معنای بازتولید وضعیت امنیتی میان قدرت‌های بزرگ در عرصه بین‌المللی است. در این وضعیت، قدرت نظامی در اولویت اول قرار می‌گیرد و معمای امنیتی شدیدتر و بدبینی کشورها به هم افزایش می‌یابد. در چنین فرهنگی، هریک از کشورها نسبت به اقدامات دیگران بدبین بوده و درصدد افزایش قدرت نظامی خود می‌باشد. فرهنگ هابزی بستر مناسبی برای شکل‌گیری ائتلاف‌ها و اتحادهای نظامی است. مانند دوره جنگ سرد، بازی امنیتی به رقابت تسلیحاتی و تلاش برای دستیابی به فن‌آوری‌های پیشرفته

نظامی در عرصه‌ها و حوزه‌های گوناگون منجر می‌شود و عملاً به بازی حاصل جمع صفر در مناسبات کشورها می‌انجامد.

احتمال پیدایش این وضعیت میان کشورهای پیشرفته صنعتی بسیار اندک و منوط به بروز تغییرات بنیادی در نظام سرمایه‌داری است، اما در میان کشورهای عقب‌مانده، این نگرش وجه غالب است. تشدید تنش‌های منطقه‌ای، رقابت تسلیحاتی و مناسبات اقتصادی اندک، نمادهای تسلط بازی امنیتی بر مناسبات کشورهاست. در طول نیمه دوم قرن ۲۰، روابط کشورهای خاورمیانه و قدرت‌های بزرگ، نمونه‌ای از تسلط فرهنگ هابزی بر مناسبات کشورها بود. در این فضا، کشورهای هم‌سو به تشکیل ائتلاف‌ها و اتحادهای نظامی و راهبردی اقدام می‌کنند که نشان‌دهنده تهدید مشترک برای آنهاست (Mansbach, & Rafferty, 2008).

در دو دهه آینده، سناریوی بازی امنیتی در محیط راهبردی بین‌المللی، بیشتر در قالب رقابت میان چین و روسیه از یک طرف و آمریکا و غرب از سوی دیگر، احتمال بروز و ظهور دارد. ائتلاف قدرت‌های غربی و کشورهای ناراضی از تسلط غرب بر جهان، سناریوی احتمالی در آینده است. نگرش‌های غیرلیبرال در مخالفت با سیطره آمریکا هدف مشترکی دارند. آنها وضع موجود را تا زمانی تحمل می‌کنند که از توان لازم برای مقابله با آن برخوردار نباشند و غرب پویایی خود را در عرصه تولید ثروت و بازتولید ارزش‌های جهان‌شمول و متقاعدکننده حفظ کند. بروز بحران‌های اقتصادی ممتد در نظام سرمایه‌داری و گرایش کشورها به اقتصاد ملی و به اصطلاح، بستن کمربندها برای جلوگیری از تأثیرات منفی بحران‌ها، زمینه‌ای برای طرح نگرش‌های ضد هژمون است.

رقابت در عرصه مسایل حاد، به ویژه حوزه تسلیحاتی، یکی دیگر از بسترهایی است که می‌تواند به بروز سناریوی امنیتی در جهان کمک نماید. نقض و نادیده‌گرفتن قراردادهای رژیم‌های تسلیحاتی بین‌المللی از سوی بازیگران عمده بین‌المللی، بی‌اعتنایی به نگرانی‌های امنیتی و منافع حیاتی دیگران از سوی ایالات متحده، تلاش برای رسیدن به نقطه وسوسه‌انگیز آسیب‌ناپذیری در برابر دیگران (مثل طرح دفاع راهبردی ریگان یا دست‌یابی به سلاح منحصراً به فرد راهبردی)، مواردی هستند که در بروز سناریوی بدبینانه مورد بحث، مؤثرند.

در بلندمدت و با گسترش فن‌آوری‌های جدید، امکان دسترسی کشورهای کوچک و حتی گروه‌های تروریستی به سلاح‌های مخرب، دامنه وسیع‌تری می‌یابد. در چنین وضعیتی، دامنه

عمل این بازیگران در عرصه بین‌المللی افزایش یافته و ممکن است به اقدامات مخربی دست بزنند که برای قدرت‌های بزرگ پرهزینه باشد. این وضعیت در شرایطی امکان بروز بیشتری می‌یابد که سیاست بازدارندگی در برابر چنین بازیگرانی کارآمدی و تأثیرگذاری لازم خود را از دست بدهد (فریدمن، ۱۳۸۹).

این سناریو در شرایطی امکان وقوع دارد که نظم موجود به هم بریزد و حافظان نظم کنونی به دلایل داخلی یا بیرونی، از توان لازم برای برقراری نظم ناتوان باشند و یا نخواهند نقش قدرت هژمون را ایفا کنند. بروز برخی تحولات امنیتی شدید و پرهزینه برای آمریکا، ممکن است مقامات و مردم این کشور را به سوی انزواگرایی ببرد. در محیط داخلی ایران نیز در پیش گرفتن سیاست مبتنی بر قدرت سخت در برابر نیازهای مادی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند به سیاست خارجی نظامی و امنیتی محور منجر شود.

سناریوها و مؤلفه‌های مؤثر در تعامل محیط راهبردی داخلی و بین‌المللی ایران

عنوان	بدبینانه	بیطرفانه	خوش‌بینانه
نسبت منطقی	تقابلی	ترکیبی (موردی و موضوعی)	همسویی
تغییر در محیط راهبردی	تغییر اساسی در محیط راهبردی داخلی (زامداران، رویکرد، و نظام سیاسی)	تغییر تدریجی محیط داخلی و بین‌المللی در آینده (تداوم وضع موجود)	تغییر اساسی در محیط راهبردی بین‌المللی (زامداران، رویکرد، و نظام سیاسی)
مسائل، موضوعات و دستورکارها	پرونده هسته‌ای؛ اختلافات مرزی و سرزمینی با کشورهای همجوار	حقوق بشر؛ نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران؛ روابط و مناسبات ایران و آمریکا، تروریسم	نفذ و مسأله تأمین انرژی در جهان
مسائل اساسی داخلی ایران	سنت و مدرنیسم	مسأله انتقال قدرت، توزیع قدرت	مشروعیت نظام سیاسی، کارآمدی حکومت
رویکرد سیاست خارجی	تقابلی، منطقه‌گرایی، امنیتی - نظامی	انزواگرایی، یک‌جانبه‌گرایی، هویت‌خواهی تدافعی	همسوگرایی، بین‌الملل‌گرایی، توسعه‌ای
قواعد و گفتمان‌ها	هژمونیک، امپریالیستی، یک‌جانبه‌گرایی، نظامی - امنیتی	بین‌الملل‌گرایی، چندجانبه‌گرایی، اقتصادی فنی	جهان‌گرایی، جهان‌شمولی، انسانی و رهایی‌خواهی

اگر در هر دو محیط راهبردی داخلی و بین‌المللی، جریان و رویکرد نظامی - امنیتی غلبه یابد، احتمال بروز تنش و منازعه میان ایران و دولت‌های دیگر به شدت افزایش خواهد یافت.

در این وضعیت، فرصت‌های احتمالی ایران برای یارگیری در محیط بین‌المللی زیاد می‌شود و امکان بروز منازعه ویران‌گر به عواملی چون توان دو طرف در رسیدن به پیروزی و هزینه‌های احتمالی و برداشت زمام‌داران از این هزینه‌ها و دستاوردها بستگی خواهد داشت.

بدترین وضعیت در این سناریو این است که در ایران، رویکرد نظامی - امنیتی بدون پشتوانه و توجیه مردمی حاکم شود و به طور عام، در محیط راهبردی بین‌المللی، مناسبات کشورها بر پایه رویکردهای رقابتی و هم‌کاری شکل بگیرد و به طور خاص، در برخورد با بازیگران ناسازگار اعم از ایدئوژیک و رویکردی به ابزار زور متوسل شوند. این وضعیت می‌تواند به مزوی‌سازی و برخورد نظامی با ایران بینجامد، بدون اینکه اعتراض مؤثری در محیط بین‌المللی صورت گیرد و صدای مخالفی برخیزد. در این سناریو، در محیط داخلی نیز زمینه‌های شکل‌گیری حمایت گسترده مردمی از سیاست خارجی و امنیتی ضعیف بوده و دولت از توان متقاعدکردن مردم نسبت به وضعیت به وجود آمده ناتوان است.

بر اساس اصول و مبانی مصرح در قانون اساسی، وصیت‌نامه بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌های پنج‌ساله توسعه، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلان ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، رویکرد توسعه‌ای و قدرت مبتنی بر جذابیت و متقاعدسازی، موقعیت برجسته‌ای در جهت‌دادن به سیاست‌های داخلی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران دارد. در عین حال، در عمل، چیزی که به مناسبات ایران با محیط بین‌المللی شکل خواهد داد، برداشت‌های دو طرف از یکدیگر، سیاست‌های اعمالی و مسایل عمده موجود میان ایران با قدرت‌های بزرگ است. در حال حاضر و در آینده قابل پیش‌بینی، فعالیت‌های هسته‌ای ایران، تلاش جمهوری اسلامی برای گسترش نفوذ منطقه‌ای و هدایت و حمایت از گروه‌های گوناگون در منطقه و جهان از یک سو و کوشش آمریکا برای محروم‌کردن ایران از حقوق قانونی خود در دستیابی به فن‌آوری استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و نادیده‌گرفتن ملاحظات و منافع امنیتی آن در منطقه از سوی دیگر، به همراه روابط پرتنش و بدبینانه بین ایران و آمریکا، مسایل مطرح و مؤثر در شکل‌دادن به مناسبات دو محیط ارزیابی می‌شوند (Wehrey & et al., 2009).

تداوم و تشدید این مسایل می‌تواند به عملی‌شدن سناریوی بدبینانه امنیتی میان دو محیط راهبردی داخلی و بین‌المللی منتهی شود. در این میان، برداشت بدبینانه مقامات تصمیم‌گیر جمهوری اسلامی ایران از سیاست، اهداف و انگیزه‌های آمریکا در تداوم این روند و ناکامی

سیاست‌ها و راهبردهای برون‌رفت از مناسبات تنش‌آلود، مؤثر است. در چنین شرایطی، خوش‌بینانه‌ترین حالت، تداوم وضع موجود در مناسبات راهبردی داخلی و بین‌المللی است.

۳. سناریوی کنترل مناسبات و تداوم وضع موجود

به طور منطقی، سناریوی سوم در مناسبات محیط راهبردی داخلی ایران با محیط راهبردی بین‌المللی می‌تواند با اندکی تغییر به سمت یکی از دو سناریوی مزبور، تداوم وضع موجود باشد. وضع موجود ترکیبی است از دشمنی و دوستی، تلاش برای نزدیکی و حل و فصل اختلافات همراه با تشدید کشمکش‌ها، رویکرد اقتصادی برای تأمین نیازهای اولیه و دستیابی به بازارها، با رویکرد نظامی - امنیتی برای گسترش نفوذ در منطقه از سوی دو طرف اصلی که در آن بنیان‌های شکل‌دهنده به وضع موجود، تداوم یافته و بنا بر نیاز و ضرورت و برای جلوگیری از بدتر شدن اوضاع و غیرقابل قبول بودن هزینه‌های سناریوهای تغییر، هر دو طرف به این وضعیت تن می‌دهند. مشخصه اصلی این دوره، برخورد موردی و ویژه با موضوعات، مسایل و بازیگران بین‌المللی است. در این سناریو، ایران با یک قدرت در محیط راهبردی روبرو نیست. محیط بین‌المللی ترکیبی از قدرتهای متعدد است که نسبت به ایران نگاه متفاوت دارند. انگیزه‌ها، اهداف، منافع و رویکردهای آنها نسبت به ایران متفاوت است. آنها از در تعریف روابط خود با ایران، منافع متفاوت و گاه متعارض دارند. مسایل و موضوعات مورد توجه ایران در تعامل با محیط راهبردی بین‌المللی یک‌دست نیست. درباره برخی از این موضوعات می‌توان به شیوه دیپلماتیک به توافق رسید. برخی از آنها جنبه حیثیتی دارند و امکان مذاکره درباره آنها بسیار کم یا غیرممکن است.

در این سناریو، ایران در برخورد با موضوعات، رژیم‌ها، سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی، به صورت موضوعی و موردی عمل می‌کند. نگرش و رفتار ایران ترکیبی از تعامل و تقابل است. در برخی موضوعات و در برخورد با برخی کشورها و حتی در دوره زمانی مشخصی، سعی در همراهی و حل و فصل موضوع دارد و در مواقعی، درست بر عکس عمل می‌کند. رفتار ایران در عرصه بین‌المللی، پیچیده و بر اساس محاسبه هزینه و فایده اقدام است. در این شرایط، هزینه برخورد نظامی با ایران برای قدرت‌های خارجی بسیار بالاست و به وجود آوردن اجماع در جامعه بین‌المللی علیه ایران، بسیار سخت و دشوار است.

در این سناریو، تغییرات در محیط راهبردی داخلی و بین‌المللی تدریجی است و امکان انطباق برای هر دو طرف سهل‌تر است. ایران تلاش می‌کند سیاست حفظ وضع موجود را با تعریف خاص خود ادامه دهد. از یک سو، باورها و ارزش‌های اسلامی و جهان‌سومی خود را حفظ می‌کند و از سوی دیگر، تلاش می‌کند به فرصت‌های بیشتری در عرصه بین‌المللی دست یابد. سیاست و رفتار خارجی ایران با انعطاف و عمل‌گرایی بیشتری تداوم می‌یابد. تأکید ایران بر مسایل فنی و اقتصادی و دوری از مسایل حاد نظامی و امنیتی، عنصر کلیدی در تداوم وضع موجود و جلوگیری از تبدیل این سناریو به سناریوی نظامی-امنیتی است.

در سطح بین‌المللی و در کشورهای دیگر، به ویژه آمریکا، بروز مشکلات حاد موجب می‌شود رهبران این کشورها توجهشان از ایران به سوی دیگر مسایل و مناطق جلب شود. درگیر شدن آنها در دیگر حوزه‌ها و مناطق، بدون اینکه به ایران ارتباطی داشته باشد، عنصر مهم در تداوم وضع موجود در محیط راهبردی بین‌المللی است. در این سناریو، موضوعاتی چون حقوق بشر، تلاش ایران برای نفوذ در منطقه و روی کار آوردن دولت‌های دوست در کشورهای همسایه و به شکل بسیار رقیب، تلاش برای حفظ حق ایران در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، ادامه خواهند یافت، اما به مرحله حساس تهدید جدی و اقدام از سوی دیگر کشورها برای حل و فصل غیردیپلماتیک تبدیل نخواهد شد. از میان مسایل موجود در مناسبات محیط راهبردی ایران با محیط بین‌المللی، مسئله تلاش‌های ایران برای دستیابی به فناوری هسته‌ای و صدور قطعنامه‌های اعمال تحریم از سوی شورای امنیت، حادثه‌ترین موضوعی است که می‌تواند وضعیت موجود میان ایران با محیط بین‌المللی را به سوی سناریوی نظامی-امنیتی سوق دهد. تغییر این روند و ختشی‌سازی تأثیرات مسئله مزبور، نیازمند تغییرات اساسی در دو محیط راهبردی داخلی و بین‌المللی است.

نتیجه‌گیری

تصمیم‌گیری درست نیازمند شناخت دقیق واقعیات، توان‌مندی‌ها و بررسی گزینه‌های احتمالی و برآورد دقیق هزینه‌ها و دستاوردهای هر اقدامی است. زمان در تصمیمات راهبردی اهمیتی حیاتی دارد. وضعیت امروز نتیجه شناخت، تصمیم‌گیری و عملکرد دیروزمان است و فردا را امروز شکل می‌دهیم. آینده‌های متفاوتی وجود دارد و ما می‌توانیم در ایجاد هر یک از آنها مؤثر باشیم.

دو محیط راهبردی داخلی ایران و محیط راهبردی بین‌المللی، بر هم تأثیر می‌گذارند. نحوه تعامل آنها به عوامل متعددی بستگی دارد. عوامل ساختاری در کنار عوامل کارگزاری، تهدیدها و توانمندی‌ها، ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌ها، قواعد و گفت‌وگوها، مسایل و دستورها در طول زمان به مناسبات دو محیط نسبت به همدیگر شکل می‌دهند.

به صورت منطقی، بین این دو محیط، سه وضعیت تقابل راهبردی، هم‌سویی راهبردی و ترکیبی از هم‌سویی و تقابل به لحاظ موضوعی و موردی وجود دارد. البته، هم‌سویی و تقابل، دو سوی یک پیوستارند و وضعیت‌های میانی متعددی در بین آنها وجود دارد.

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد در میان‌مدت، مناسبات ایران با محیط راهبردی بین‌المللی به سمت بدتر شدن پیش می‌رود. در این امر، نگرش رهبران و مسأله‌هسته‌ای ایران و تحریم‌های بین‌المللی، نقش اصلی را دارند. در بلندمدت، نگرش و باورهای اجتماعی، روند جهانی شدن، تعمیق ارزش‌های بشردوستانه و ضد جنگ، مناسبات دو محیط را به سوی همکاری سوق خواهند داد. بروز تغییر در زمام‌داران کلیدی و بروز بحران در مناطق و حوزه‌های دیگر می‌تواند به روند کنونی در راستای بهتر یا بدتر شدن اوضاع سرعت بیشتری بدهد. در محیط راهبردی ایران، مسأله انتقال قدرت، توزیع قدرت و کارآمدی حکومت، عوامل داخلی مؤثر در تعیین رویکرد و توانمندی‌های ایران در سیاست خارجی خواهند بود.

روی کارآمدن دولت توسعه‌گرا در ایران، حل و فصل مسایل و موضوعات اساسی ایران با قدرت‌های بزرگ، رویکرد تعاملی و نگرش مثبت ایرانیان به نظام بین‌المللی، کاهش مسایل و مشکلات درونی کشور و حل و فصل آنها، وجود زمام‌داران مسوول و مسالمت‌جو در کشورهای بزرگ و هم‌سویی گفت‌وگومانی ایران و جامعه بین‌المللی، عواملی هستند که می‌توانند موجب شکل‌گیری سناریوی خوش‌بینانه در مناسبات ایران با محیط راهبردی بین‌المللی شوند. در مقابل، تداوم و تشدید مشکل پرونده هسته‌ای ایران و گسترش تحریم‌ها و امکان اقدام نظامی آمریکا و احتمالاً، تشدید خصومت در مناسبات ایران و آمریکا و بروز اختلاف اساسی با بازیگران عمده دیگر در عرصه بین‌المللی، به سناریوی بدتر شدن مناسبات دو محیط می‌انجامد.

منابع

- اشنایدر، گریک آ. (۱۳۸۵): *امنیت و راهبرد در جهان معاصر*، ترجمه اکبر عسگری صدر و افشار امیری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- البرتس، دیوید و پاپ، دانیل (۱۳۸۵): *گزیده‌ای از عصر اطلاعات*، ترجمه علی‌علی‌آبادی و رضا نخجوانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بلامی، الکس (۱۳۸۶): *جوامع امن و همسایگان*، ترجمه محمود یزدان‌فام و پریسا کریمی‌نیا، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رمضانی، روح‌الله (۱۳۸۰): *چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- روزنا، جیمز و دیگران (۱۳۸۹): *انقلاب اطلاعات، امنیت و فن‌آوری*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سلیمی، حسین (به اهتمام) (۱۳۸۶): *بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی با همکاری انجمن علوم سیاسی ایران.
- عنایت، حمید (۱۳۵۲): *شش گفتار درباره‌ی دین و جامعه*، تهران: کتاب موج.
- فریدمن لارنس (۱۳۸۹): *بازدارندگی*، ترجمه عسگر قهرمان‌پور و روح‌الله طالبی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱): *تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی ایران*، تهران: وزارت امور خارجه.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی (۱۳۸۲): *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- Battersby, Paul & Siracusa, Joseph M. (2009); **Globalization and human security**, New York: Rowman & Littlefield.
- Bozdağlıoğlu, Yücel (2003); **Turkish foreign policy and Turkish identity: a constructivist approach**, New York: Routledge.
- Ehteshami, Anoushiravan & Zweiri, Mahjoob eds. (2008); **Iran's foreign policy: from Khatami to Ahmadinejad**, UK: Ithaca Press.
- Ehteshami, Anoushiravan (2008); 'Iran and its immediate neighbourhood', in Ehteshami, & Zweiri, eds. Op. Cit., p. 129-140.
- Gammeltoft, Peter (2008); 'Emerging multinationals: outward FDI from the BRICS countries', **International journal of technology and globalization**, Vol. 4, No. 1, p. 5-22.

- Gordon, Adam (2008); **Future savvy: identifying trends to make better decisions, manage uncertainty, and profit from change**, New York: American Management Association.
- Jakopovich, Dan (2008); 'Time factor in insurrections', **Strategic Analysis**, Vol. 32, No. 3, pp. 359 – 365.
- Katouzian, Homa & Shahidi, Hossein eds. (2008); **Iran in the 21st century: politics, economics and conflict**, London: Routledge.
- Mansbach, Richard W. & Rafferty, Kirsten L. (2008); **Introduction to global politics**, New York: Rutledge.
- Mercenaries, Percy (2007); **the History of a Norm in International Relations**, New York: Oxford University Press.
- Miroslav, Nincic (2005); **Renegade regimes: confronting deviant behavior in world politics**, New York: Columbia University Press.
- Moshirzadeh, Homeira (2007); 'Discursive Foundations of Iran's Nuclear Policy', **Security Dialogue**, Vol. 38(4): 521–543.
- National Intelligence Council (2008); 'Global Trends 2025: A Transformed World', 20 Nov 2008. Available At: www.dni.gov/nic/PDF_2025/2025_Global_Trends_Final_Report.pdf
- Pint, Ellen M. et al. (2008); **Ensuring that army infrastructure meets strategic needs**, RAND. Available at: www.rand.org/pubs/DOCUMENTED_briefings/.../RAND_DB547.pdf
- Rajaei, Farhang (2007); **Islamism and modernism: the changing discourse in Iran**, Austin: University of Texas Press.
- Reuters (2009); 'FACTBOX-Emerging BRIC powers and the new world order'. Available At: <http://www.reuters.com/article/idUSN1040024820090610>
- Sachs, Goldman (2003); 'dreaming with BRICs: the path to 2050', global economics paper; No. 99. At: <http://sejong.metapress.com/app/home/contribution.asp?referrer=parent&backto=issue,6,10;journal,12,52;linkingpublicationresults,1:109474,1>
- Stubbs, Pual (2003); 'International Non-State Actors and Social Development Policy', **Global Social Policy**, Vol. 3, No. 3, p. 319–348.
- Telò, Mario (2009); **International relations: a European perspective, UK**: Ashgate.
- Urban and Regional Studies Institute (2004); PERT/CPM CALCULATIONS Basic Techniques Using MS Excel And Manual Calculation. Available At: <http://krypton.mnsu.edu/~tony/courses/609/PERT/pert2.ppt>.
- Ward, Wilson (2008); 'The myth of nuclear deterrence', **Nonproliferation Review**, Vol. 15, No. 3, p. 421-439.
- Watt, Peter (2005); 'Foresight Manufacturing Report', Available at: <http://www.google.com/search?hl=en&q=Manufacturing+Foresight+Methodologies&btnG=Google+Search&aq=f&oq=>
- Wehrey, Frederic & et al. (2009); Dangerous but not omnipotent: exploring the reach and limitations of Iranian power in the Middle East, RAND. Available at: www.rand.org/pubs/monographs/2009/RAND_MG781.pdf